

تحول در شورای حل اختلاف؛ بازگشت به رسالت اصلی

■ هادی رضوان

پژوهشگر حلقه مطالعات جرم‌شناختی و عدالت کیفری
مرکز رشد دانشگاه امام صادق (ع)



شورای حل اختلاف

قضایی از طریق توسعه مشارکت‌های مردمی را هدف این شورا بیان کرده است و ماده یک قانون شورای حل اختلاف مصوب ۱۳۸۷ و ۱۳۹۴، حل اختلاف و صلح و سازش را هدف این شورا بیان کرده است. با جمع بین این قوانین به این نتیجه می‌رسیم که هدف از ایجاد شورای حل اختلاف کاهش بار سنگین پرونده‌ها بر دوش دادگاه‌ها از طریق مشارکت‌های مردمی به وسیله ایجاد صلح و سازش بوده است.

از این قوانین برداشت می‌شود که شورای حل اختلاف دارای دو رکن اساسی می‌باشد که عبارت هستند از: مشارکت مردمی و صلح و سازش.

تحول در شورای حل اختلاف

با اینکه در صدر همه‌ی این قوانین صلح و سازش، فلسفه اصلی شورای حل اختلاف ذکر شده است اما در طول زمان و البته تا حدودی از همان ابتدا شورای حل اختلاف تبدیل به یک مرجع شبه‌قضایی در عرض سایر محاکم شد و دارای دو دسته صلاحیت صلح و سازشی و صدور رأی شد که این اتفاق، منجر به این شد که شورای حل اختلاف در کنار محاسنی که دارد، از هر دو رکن خود که تکیه بر مشارکت‌های مردمی و صلح و سازش بود دور شود و دچار آسیب‌هایی مثل اضافه شدن یک مرحله به مراحل دادرسی و به تبع آن اطلاع دادرسی و کم شدن رضایت مردمی و... شود و از کارکرد آن کاسته شود. با دقت در عملکرد شوراها و محاسن و معایب ذکر شده برای شورای حل اختلاف متوجه می‌شویم که عمده محاسن شورای حل اختلاف مربوط به صلاحیت سازشی آن می‌باشد و عمده معایب آن متوجه صلاحیت‌های رأی آن می‌باشد.

با توجه به این موارد تغییر رویکرد در شوراها و حل اختلاف و کم کردن صلاحیت‌های رأی و تمرکز شورای حل اختلاف بر صلح و سازش بسیار ضروری است.

اما در چند ماه گذشته وضعیت در حال تغییر

تحول در شورای حل اختلاف از طریق تمرکز توان شوراها و حل اختلاف بر صلح و سازش و افزایش مشارکت‌های مردمی در کنار فرهنگ‌سازی عمومی و اقناع مردم می‌تواند منجر به کاهش دو ابرچالش قوه قضاییه یعنی اطلاع دادرسی و جمعیت کیفری شود.

سابقه شورای حل اختلاف

سابقه نهاد داوری و حکمیت در ایران به سال ۱۲۹۰ و باب هفتم قانون موقتی اصول محاکمات حقوقی بر می‌گردد. البته نهاد حکمیت در اصل هشتاد و هشتم متمم قانون اساسی مشروطه آمده بود و تعیین حدود آن به قانون سپرده شده بود، در سال ۱۳۰۶، اولین قانون مختص به حکمیت به نام قانون حکمیت به تصویب رسید اما نام شورای حل اختلاف برای اولین بار در سال ۱۳۵۳ در قانون کار کشاورزی مطرح شد که در واقع یک مرجع حل اختلاف بین کارگر و کارفرما در امور کشاورزی بود.

بعد از انقلاب اسلامی با وجود تردیدهایی که در مشروعیت این نهاد وجود داشت مقررات داوری اختیاری به قوت خود پا برجا بود اما تا قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران خبری از داوری اجباری در قوانین کشور نبود و ماده ۱۸۹ این قانون اصل نهاد شورای حل اختلاف را مورد پذیرش قرار داد اما جزئیات آن را به آیین‌نامه‌ای که به پیشنهاد وزیر دادگستری و تصویب هیئت وزیران و به تأیید رییس قوه قضاییه می‌رسد، سپرد. آیین‌نامه اجرایی این ماده در سال ۱۳۸۱ نیز تهیه و پس از تأیید رییس قوه قضاییه در روزنامه رسمی شماره ۱۶۷۴۷ سه‌شنبه پنجم شهریورماه ۱۳۸۱ منتشر گردید و به این ترتیب تحولی بزرگ در ساختار احقاق حق در جمهوری اسلامی ایران به وقوع پیوست و در ادامه در سال ۱۳۸۷ با تصویب قانون شوراها و حل اختلاف، مبنای قانونی این نهاد (در جزئیات و نه کل) محکم‌تر شد و از

۹۹ رویکرد بازگشت شورای حل اختلاف به هدف اصلی خود که همان صلح و سازش است و کم شدن صلاحیت‌های رأیی و تمرکز توان و انرژی نیروهای شورای حل اختلاف بر صلح و سازش، برکات زیادی از جمله کم شدن اطلاع دادرسی، کمک به رسیدگی‌های تخصصی‌تر با سپردن دادرسی به قضات، کم شدن جمعیت کیفری زندان‌ها و... خواهد داشت که هرکدام از این موارد از چالش‌های مهم قوه قضاییه می‌باشد. **۶۶**

آیین‌نامه به قانون تغییر یافت.

هدف شورای حل اختلاف

اما پس از مرور سابقه شورای حل اختلاف، سؤال مهم و اساسی این است که اصلاً هدف از شورای حل اختلاف چه بوده و چه لزومی داشته است که این نهاد ایجاد شود.

ماده ۱۸۹ قانون برنامه سوم توسعه و ماده اول آیین‌نامه آن، کاهش مراجعات مردم به مراجع